

اکثریت

نبره هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۹ مهر ۱۳۶۳ برابر با ۱۱ اکتبر ۱۹۸۴
بهار ۴۰ ریحال - سال اول - شماره ۲۶

پیام سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت) به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

(اکثریت) ، فراسیدن سال جدید تحصیلی را به همه شهدا و دانشمندان می گوید و اطمینان دارد در پرتو عزم و رزم همه ما ، آینده مطلوبی آفرین خواهد شد .
دانش آموزان و دانشجویان مبارز !
ششمین سال تحصیلی پس از انقلاب ، در شرایطی آغاز می شود که میهن ما در رانی پس تیره و دشواری گذراند . رهبران جمهوری اسلامی انقلاب بهمن را به شکست کشاندند ، بقیه در صفحه ۳

دانش آموزان و دانشجویان مبارز !
اکنون سال تحصیلی جدید فرارسیده است و شما ، که قلبتان آکنده از آرزوی تحصیل و دانشاندوزی و انقادی نقش سازنده در زندگی اجتماعی و سیاسی میهن است ، راهی مدارس و دانشگاه ها می شوید . آینده میهنان به عزم و رزم و کار سازنده شما وابسته است و شما با همه شورتوان به سوی آینده ای که با آرمانها و آرزوهای بیگانه آراسته می شود ، پیش می روید . سازمان جوانان فدایی خلق ایران

پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت چهل و سومین سالگرد تأسیس حزب توده ایران

"هفته جنگ" رژیم: زمینه سازی برای یک یورش دیگر

همزمان با چهارمین سالگرد آغاز جنگ ایران و عراق ، رژیم جمهوری اسلامی " هفته جنگ " خود را با تبلیغات و هیاهویی وسیع ، بمنظور توجیه ادامه جنگ ، برگزار کرد . روزهای این هفته هر یک به عرصه ای از زمینه های مختلف مربوط به جنگ ، از قبیل جنگی کردن اقتصاد ، بسیج نیروی انسانی و غیره ، اختصاص داشت . ابعاد و دامنه برگزاری این هفته ، نشانگر آن بود که سران حکومت صمیمت علیرغم تشدید بی سابقه نارضایتی گسترده ترین توده های مردم از عوارض و عواقب جنگ خانمان سوز ، و با وجود کوششهای زیادی که در عرصه بین المللی از سوی کشورها و سازمانهای مختلف برای پایان دادن به

رفقای درامی !
تاریخ نیم قرن اخیر ایران گواه ایستادگی و وقایت است که حزب توده ایران ، پرچمدار مبارزات انقلابی توده های زحمتکش و مبارز راستین راه استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی بوده است . حزب توده ایران همواره پیشاپیش مبارزات پر نسیب و فراز مردم میهن ما ، برای کسب آزادی سیاسی قرار داشته و علیه استبداد و اختیارات بیگانه مبارزه کرده است . دشمنان مردم ایران ، امپریالیستها ، کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان برای چپاول و غارت مردم و اجسرای اهداف پلید خود پیوسته با مقابله و مبارزه حزب توده ایران مواجه بودند . حزب در موارد بسیار با تنه در مقابل آنها ایستاد . اعدام زندان

رفقای عزیز !
چهل و سومین سال تأسیس حزب توده ایران ، حزب طراز نهم طبقه کارگر ایران را از صمیم قلب به شما تبریک می گوئیم .
سالگرد تأسیس حزب پرافتخار شما ، زنی فرامی رسد که علیرغم کین خواهی و ددمنشی امپریالیسم و ارتجاع ، حزب توده می شما دوباره استحکام خود را باز یافته و درفش خونگ آن در اهتزاز است . در حالیکه ارتجاع و عوامسال امپریالیسم با ردیلانه ترین شیوه ها از زندان و شکنجه و اعدام ، تا دروغ و نیرنگ بر حزب توده ایران می تازند و خیال خام ثابیدی آنرا در سر می پروانند . حزب ، استوار به پیش می رود و دشمنان مردم را سرافکنده و نابود می سازد .

به مناسبت شصت و سومین سالگرد شهادت حیدر خان عمو اوغلو حیدر خان ، خاکریز مقدم انقلاب گیلان بود



سخن کوتاه ، حیدر با رفیقان تیرباران شد . چو در خون جسم پاک او بسرازه توده غلطان شد ، غم جاننش نید ، در غصه مزدور و دهقان شد ، به غیر از رنگ خون از چشم او هر رنگ پنهان شد . زمین خون ، آسمان خون ، دشت و کوه و شهر و جنگل خون به خود می گفت : حق رنجبر اثبات خواهد شد ،
به غد اغنیا ، داخل به تشکیلات خواهد شد ،
قوای کارگر خاکم به موجودات خواهد شد .
(ابولقاسم لاهوتی)
بقیه در صفحه ۵

پیام تبریک

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به رفیق منگیستو هایله ماریام

دبیر کل کمیته مرکزی حزب کارگری

در صفحه ۳ ☆☆☆

پاسخ دبیر کل حزب کمونیست ایتالیا
به پیام تبریک دبیر اول

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در صفحه ۳

به مناسبت هشتادمین سالگرد تولد

نیکلای آستروفسکی

به پیش!

به پیش ناخستین صف!

در صفحه ۵

نهادهای و ادارات جمهوری اسلامی،
غرق در فساد و رشوه خواری
در صفحه ۷

کارنامه جمهوری اسلامی
در مراکز آموزشی، سیاه و تنگین است
در صفحه ۹

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

یگا!

پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) به کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت چهل و سومین سالگرد تأسیس حزب توده ایران

بقیه از صفحه اول

وحدت فکری و سیاسی میان دو سازمان و ستیزش آن به سطح وحدتی همه جانبه نام بر میدارد. هیچ نیروی قادر نیست در آزاده مسا برای تحقق این خواست دیرین طبقه کارگر خلل ایجاد کند.

رفقای عزیز!

امپریالیسم و ارتجاع با حملات ددمنشانه به حزب توده ایران و با تبلیغاتی کثیف تلاش دارند توده‌ها را نسبت به آرمانهای انسانی و شریف ما بدبین کنند. آنها می‌کوشند تا در پناه کارزار خائنان کمونیست و شوروی ستیزی، راه را برای پیشبرد اهداف پلیسی خویش هموار سازند. در چنین شرایطی ایستادگی همه نیروهای انقلابی در مقابل این توطئه‌های رذیلانه و دفاع از حزب توده ایران که آماج اصلی این حملات است، وظیفه‌ای انقلابی و مردمی است. سازمان ما به این وظیفه انقلابی پایبند است و دفاع قاطع از حزب توده ایران را پیگیرانه ادامه خواهد داد. نیروهای انقلابی و میهن پرست، باید دست در دست هم علیه خود سربها و جنایات بیسابقه ارتجاع حاکم بپا خیزند و برای رها ساختن مردم در بنده میهنان از چنگ استبداد و ظلم و محرومیت که ارتجاع حاکم برقرار ساخته است، دست دراز کنند. مبارزه را سست نشدند. ما اطعمیان داریم که حزب توده ایران این بار نیز سان گذشته بر مشکلات فائق خواهد آمد، دستاوردهای حزب طی مدت کوتاهی که از ضربات اخیر گذشته است، خود گواه بارز این امر است. حزب توده ایران مولود ضروریات جامعه ماست. تا مبارزه توده‌ها علیه اختناق استعمار و محرومیت جریان دارد، حزب توده ایران نیز وجود خواهد داشت. تا کارگران و زمینداران میهن ما علیه امپریالیسم، کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان در مبارزه و ستیزند، حزب توده ایران به طبقه کارگر و توده‌های ملیونی تعلق دارد. پرچم حزب درفش پیکار آنهاست و درخت تنوع حزب از دریای خروشان رزم توده‌ها سیراب میشود.

حزب توده ایران به طبقه کارگر و توده‌های ملیونی تعلق دارد. پرچم حزب درفش پیکار آنهاست و درخت تنوع حزب از دریای خروشان رزم توده‌ها سیراب میشود.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) بار دیگر چهل و سومین سال حیات پرافتخار حزب توده ایران را به کمیته مرکزی و همه رفقای تودهای شادباش می‌گوید و موفقیت روزافزون شما رفقای عزیز را در انجام وظایف انقلابی آن آرزوی کند.

کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

مهرماه ۱۳۶۳

نابود شدنی نیست. پلنم هیچدم کمیته مرکزی حزب توده ایران که مقام مهمی را در تاریخ ۴۳ ساله حزب به خود اختصاص داده است، موفق شد، آرمانهای رهبری حزب را در یکی از حساسترین مقاطع حیات آن بازسازی کند و صفوف نیروهای حزب را حول رهبری آن تحکیم بخشد. انتشار نامه مردم" ارلان مرکزی حزب توده ایران نیز، نام دیگری در راه خنثی کردن توطئه‌های ارتجاع حاکم بود. تمام تلاش ارتجاع این بود که صدای حزب توده ایران، به کارگران و زمینداران میهن ما نرسد. انتشار مجدد "مردم" این نقشه را خنثی ساخت. "مردم" دوباره وظیفه انقلابی در افشای دشمنان مردم و آگاهسازی و سازماندهی توده‌ها را از سر گرفت.

"مردم" همچون راهگشای آشنا، صلاحیت و با تجربه، در شرایط حساس کنونی برای کارگران و زمینداران میهنان راهنمایی ارزشمند است.

اینها نمونه موفقیت‌های حزب توده ایران، حزب کارگران و زمینداران ایران در مبارزه علیه ارتجاع حاکم و توطئه‌های امپریالیسم در چهل و سومین سال حیات افتخار آفرین است.

در شرایط حساس کنونی، اتحاد نیروهای انقلابی، دموکراتیک و ضد امپریالیست در جبهه ملی متحد خلق برای رهایی مردم ایران از قید و بند ارتجاع حاکم، فریت بازمی‌یافتگی است. ارتجاع کوشش می‌کند صفوف نیروهای انقلابی، دموکراتیک و ضد امپریالیست را دچار تفرقه سازد و بی اعتمادی را در میان آنها دامن زند، بر این اساس مبارزه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران در راه وحدت طبقه کارگر ایران بعنوان سنگ بنا و شرط اساسی اتحاد همه اقشار خلق، از اهمیت جدی برخوردار است.

سازمان ما بار دیگر اعلام میدارد که با تمام توان خویش در راه گسترش همکاری‌های برادرانه با حزب توده ایران و حفظ و تحکیم

شکنجه و توطئه‌های رذیلانه دودان، هیچگاه حزب توده ایران را از پیگیری آرمان مقدسش یعنی تأمین سعادت و بهروری زمینداران و پیشرفت ایران باز نداشته است و این خود خشم و کینه دشمنان مردم را برانگیخته و حزب توده ایران را به آماج مقدم توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع، برای سرکوب مبارزات مردم میهن مسا مبدل ساخته است.

اصولیت حزب توده ایران، پایبندی خدشه ناپذیر آن به مارکسیسم - لنینیسم و خصلت عمیقاً انترناسیونالیستی آن، سرمایه داران و چپا و لگران را خشمگین میکند. آنان که می‌بینند حزب توده ایران مبارز پیشرو در راه طبقه کارگر و تأمین همبستگی کارگران میهن با کارگران سراسر جهان است، آنان که میدانند اعتقاد عمیق و پایبندی حزب توده ایران به انترناسیونالیسم پرولتری از ویژگیهای ارزشمند آنست، این خصلت ارزنده حزب را آماج حملات خود قرار میدهند.

حکام جمهوری اسلامی که به انقلاب مردم و آماج‌های آن، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی خیانت کرده‌اند، از شعله‌ور شدن خشم توده‌ها در هراسند. اقدامات آنان برای تأمین و تضمین منافع کلان تاجران و سرمایه داران و زمینداران بزرگ و سیاستهای استقلال برپا ده ارتجاع حاکم، روز بروز ماهیت آنها را برای نیروهای پیشرو از مردم آشکار می‌سازد، اعتراضات کارگران و زمینداران و سایر اقشار و گروههای مردم روزافزون است، بریم که آینده خود را تیره و تار می‌بینند با خشونت ددمنشانه به سرکوب نیروهای انقلابی و میهن پرست و مدافع مردم می‌پردازد. انقلابیون و مبارزین گروه گروه مخفیانه اعدام میشوند، آنها زیر شدیدترین فشارها و شکنجه‌ها قرار می‌گیرند و رذیلانه‌ترین نقشه‌ها برای بدنام ساختن آنان سازمان می‌یابد. اما واقعیات ددساله اخیر نشان داد که رژیم علیرغم همه تلاشهای مذبحخانه خود، قادر نشده است با وجود همه فشارها و توطئه‌ها، وظایف انقلابی خود را همچنان به پیش می‌برد و دسائس امپریالیسم و ارتجاع را یک به یک خنثی می‌سازد.

تشکیل پلنم هیچدم کمیته مرکزی حزب توده ایران، در زمانی که ارتجاع حاکم رذیلانه‌ترین روشها را برای نابودی و محو حزب توده ایران بکار گرفته است، نقشه‌های آن را نقش بر آب ساخت و همه دستداران حزب را شادمان کرد. پلنم نشان داد که حزب توده ایران که از چشمه جوشان مردم سیراب میشود،

پیام سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثريت) به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

بقیه از صفحه اول

دستاوردهای عظیم مبارزه مردم رانا بود کردند و باریگر حکومت بهره‌کشان و استثمارگران رادایر کردند. حکومت جمهوری اسلامی با گشودن درهای ایران به روی امپریالیستهای جهان‌خوار، میهن‌مارشایان به سوی تحکیم وابستگی همه جانبه به امپریالیستهای کثاند، ارتجاع حاکم با ادامه جنگ ویرانگر، هر روز جنایات تازه‌ای می‌آفریند. کشتار هزاران جوان و نوجوان، کودک ایرانی در میدانهای جنگ و دیگر پیامدها و حشتناک آن، خشم و نفرت بیکران مردم را شعله‌ور ساخته است. سران جمهوری اسلامی با تهاجمات راهزانه و فاشیستی می‌کوشند احزاب و سازمانهای انقلابی و میهن پرست رانا بسود و مقاومت توده‌ها را درهم بشکنند. آنان خفقان و اختناق خونین و بیسابقه‌ای را به کشور ما تحمیل کرده‌اند.

دانش‌آموزان و دانشجویان مبارز!

رهبران جمهوری اسلامی، در هر اساز ترقیخواهی و آزاداندیشی مردم و رشد جنبش انقلابی، از همان روزهای نخست پس از پیروزی انقلاب به تدارک و اجرای ارتجاعی ترین اقدامات در مدارس و دانشگاه‌ها پرداختند. هزاران تن از معلمین و استادان با سواد و مردمی و مترقی، از محیط‌های آموزشی اخراج و بسیاری از آنها به زندان و اعدام محکوم شدند. ده‌ها هزار تن از دانش‌آموزان و دانشجویان مبارز و انقلابی، تنها به جرم عقاید و مواضع انقلابی و حتی خواندن اعلامیه و روزنامه، زندان و شکنجه و اعدام شده‌اند. تهاجم بربرمشته، زیرکلم با اصطلاح "انقلاب فرهنگی" به دانشگاه‌ها، و جنایاتی که در این راستا صورت گرفته در تاریخ کشور ما بی نظیر است. نفتیش عقاید و اختناق فاشیستی در مدارس و خصوصاً دانشگاه‌ها، به وقیحانه‌ترین و جبهی حقوق اولیه انسانی را لگدمال می‌کند. خبرچینی مزدوران و عناصر مخ‌شده "انجمن‌های اسلامی" وسیله اخراج، زندان و حتی اعدام جوانان قرار گرفته است. کنکور چند مرحله‌ای و تمهیدات پلیسی گوناگونی صورت می‌گیرد تا تنها کسانی که وابسته به حکومت و خواستار جاسوسی برای آن هستند، به دانشگاه وارد شوند.

اما، همه این تشیبات نتوانسته و نمی‌تواند مانع حضور و نضج اندیشه انقلابی در دانشگاه‌ها گردد. تاد دانشگاه هست، اندیشه انقلابی و مبارز خواهد بود. نظارت شبانه‌روزی و جنایات اهریمنی دخیمان اوین، سلطه انجمن ضد انقلابی "جنتیه" و فعالیت جاسوسی انجمن‌های اسلامی در مدارس و دانشگاه‌ها، قادر نبوده و نخواهد بود انقلابیون و مبارزین را خفه سازد. از نظر رژیم، دانش‌آموزان و دانشجویان

"حق" ندارند برای ابتدائی‌ترین خواسته‌های صنفی خود مبارز کنند. هرگونه تشکلی صنفی مستقل در مدارس و دانشگاه‌ها و هرگونه فعالیت‌های برنامه‌ای در امور تحصیلی هنری، فرهنگی، ورزشی... ممنوع است، مگر اینکه توسط انجمن‌های اسلامی و یاسیا-ستهای ارتجاعی مربوطه به اجرا درآید. تین نامفانضباطی اخیر دانشگاه‌ها، نمودار بارز همین سیاستها و اقدامات ارتجاعی است.

امروز، در نتیجه، سیاستها و اقدامات بغایت ارتجاعی رژیم، میلیون‌ها نفر از کودکان و جوانان زحمتکش ما همچنان از امکان تحصیل محرومند. صد‌ها هزار دایلمه پشت در دانشگاه‌ها مانده‌اند، غول بیسودی همچنان بر سر نوشت میلیون‌ها زن و مرد که از امکان سوادآموزی محرومند، چیره است. افکار سیاه قرون وسطایی و درک ارتجاعی رهبران جمهوری اسلامی از سوادآموزی و تعلیم و تربیت، طی این مدت تیشه به ریشه آموزش و پرورش مازده و وضع آنرا از گذشته به مراتب خرابتر کرده است. تخریب سیستم آموزشی و تنزل فاحش سطح آموزشی، نتایج فاجعه انگیزی به بار آورده است، که آثار و حشتناک مرد و دین سالهای گذشته و منصرفین از تحصیل بخشی از نمود آن است. ده‌ها هزار معلم با سواد و دلسوز و با تجربه اخراج و جای آنان را افراد بیسواد، قشری و ارتجاعی پر کرده‌اند. کتابهای درسی بیش از پیش از مضامین علمی تهی شده و مطابق اهداف ارتجاعی و اندیشه‌های قرون وسطایی سرهم بندی شده است. اشاعه خرافات و باورهای ضد علمی ضد فرهنگی، ضد تاریخ ملی و ضد ارزشهای انسانی، بخش عمده برنامه‌های آموزشی را اشغال کرده است. وسایل کمک آموزشی کمترین جایی در آموزش ندارند. بیشترین انرژی دانش‌آموزان و دانشجویان صرف آموزشهایی می‌شو دکه کمترین ارزش علمی و عملی ندارند. رشته‌های تحصیلی، هر چه بیشتر از نیازهای واقعی جامعه دور شده‌اند. تعداد دانش‌آموزان رشته‌های غیرخردماتی، شاخه فنی و حرفه‌ای تنها ۸٪ و دانش‌آموزان رشته‌هایی چون فیزیک و ریاضی از چند درصد تجاوز نمی‌کنند. به جای ساختن مدارس جدید بسیاری از کلاسها و مدارس موجود تعطیل شده‌اند. محدودیت برای تحصیل دختران که بنایات بغایت ارتجاعی صورت می‌گیرد هر روز شدیدتر می‌شود. از دانشگاه‌ها که ۳ سال

بعد از تهاجم مغول و ارتحت فشارا کارعمومی باز شده‌اند، جزویرانه‌ای برجای نمانده است. استادان زحمتکش و با سواد تصفیه شده و امکانات آموزشی نابود گردیده‌اند. دانش‌آموزان و دانشجویان مبارز! فضایی که امروز در مدارس و دانشگاه‌های ما حاکم است، کمترین شباهتی به یک محیط

پیام تبریک

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

به رفیق منگیستو هایله ماریام

دبیر کل کمیته مرکزی حزب کارگران اتیوپی

بسیار خوشحالم که از سوی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) برگزاری پیروزمندان کنکره موسسان حزب کارگران اتیوپی و بنیان گذاری حزب پشاهنگ طبقه کارگر و توده‌های اتیوپی و انتخاب شخص شمارا به سمت دبیر کلی حزب کارگر صیما نه شاد باش بگویم. بی‌گمان حزب کارگران اتیوپی، کسه خود ثمره پشروی پیروزمندان انقلاب اتیوپی است، بارهبری شفا قد رخواهد بود کارگران و رنجبران اتیوپی را تاد ستیابی به همکارانهای والای آنها و جامعه‌ای مبرا از هرگونه ستم و بهره‌کشی، پیروزمندان هدایت کند.

تجربه منحصر به فرد انقلابیون اتیوپی با رهبری آن رفیق ارجمند، دبیرشیردانقلاب و بنیانگذاری حزب کارگران اتیوپی به غنای تجربیات جنبش انقلابی در دیگر کشورها خواهد افزود.

پیروزیهای هر چه بیشتر حزب کارگران اتیوپی و شخص شمارا در راه تأمین منافع حیاتی زحمتکشان اتیوپی، در راه صلح، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم آرزوی منم.

کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

دبیر اول - فرخ نگه‌دار

★★★

پاسخ دبیر کل حزب کمونیست ایتالیا

به پیام تبریک دبیر اول

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

رفیق ارجمند!

علاقتم که به خاطر پیام تبریک و شاد باش شما به مناسبت گزینش من به سمت دبیر کلی حزب کمونیست ایتالیا، صیما نه تشکر کنم. حمایتی که از لابلای بیانات د و ستانسه و پیرایه شما نسبت به خود می‌یابم، انگیزه ارزشمندی است برای استقبال از مسئولیت جدید و تعهدانه‌ای که به من سپرده شده است. حمایت شما همچنین حزب ما را در فعالیت بین‌المللی خود برای صلح، تشنج زدایی، دموکراسی و ترقی اجتماعی تشویق می‌کند. بهترین درودهای خود را برای پیروزمندی فعالیت شما ابلاغ می‌کنیم.

الساندرو ناتا

علمی، فرهنگی و تربیتی ندارد. در اینجا لباس پوشیدن، طرز رفتار، دوستی، حتی زندگی خارج از محیط تحصیل و اندیشه و فعالیت افراد باید در چارچوب معیارهای قرون وسطایی و ارتجاعی جمهوری اسلامی باشد. سینه‌زنی و نوحه خوانی به مناسبت‌های گوناگون، تنبیه

بقیه در صفحه ۱۰

هفته جنگ رژیم: زمینه سازی برای یک یورش دیگر

بقیه از صفحه اول

این خونریزی بی فرجام به عمل می آید، به سیاست عمیقاً ضد ملی و ضد مردمی "جنگ، جنگ، تا پیروزی ...". ادامه دهند. "پیروزی خیالی" ای که بلندگویان رژیم ماههاست با وعده دادن آن، می کوشند تئوروشونیسم و جنگ طلبی بارنگ و لعاب مذهبی را گرم نگه دارند.

"هفته جنگ" رژیم، علاوه بر تبلیغ و توجیه مجدد ادامه جنگ، و سخن پراکنسی و یافتن لاطائلات درباره به اصطلاح "مواهب" و "برکات" آن، که دیگری نتواند گوشه سرش دائمی در تبلیغات حکومتی تبدیل شده است، هدف مشخص تری را نیز دنبال می کرد. محتوی و لحن تبلیغات مطبوعات و رادیو تلویزیون رژیم، و اظهارات و مصاحبه های سران ارتجاع، همگی حاکی از آن بود که مرتجعین حاکم قصد دارند، جنون جنگ طلبی، ویرانگری و خونریزی خود را با انجام یک حمله وسیع دیگر به خاک عراق، اوج تازه ای بخشد.

هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس، عضو موثر "شورای عالی دفاع" و بلندگوی رسمی رژیم در این هفته طی یک مصاحبه با خبرگزاری جمهوری اسلامی اظهار داشت به زعم وی، برای تحقق اهداف مورد نظر، "هنوز یکی دو ضرر عمیق نظامی باید وارد شود". رفسنجانی همچنین در نماز جمعه ششم مهرماه، گفت رژیم می خواهد به خیال خود نخست "ضربه نظامی" را وارد بکند و بعد "نتیجه سیاسی" بگیرد.

رفسنجانی در مصاحبه فوق الذکر، همچنین گفت: "الان مثل اول جنگ نیست که یک فتح برای ما موضوعیت داشته باشد. الان نتیجه جنگ مهم است و ما باید برای نتیجه جنگ همه چیزمان را آماده بکنیم." (اطلاعات اول مهر)

رژیم وقتی برای نخستین بار پس از فتح خرمشهر دست به عملیات وسیع نظامی در خاک عراق زد، هدف از این عملیات را "فتح بصره" اعلام کرد. سلسله عملیات بعدی هرکدام با هدف مشخص نظامی، که البته هیچکدام تحقق نیافت، انجام گرفت. اکنون سران حکومت می خواهند برای آنکه پس از قتلگاہ فرستادن هزاران کودک و نوجوان و جوان و سالمند در حمله بعدی مجبور نباشند باز هم بهانه ای از قبیل "سلاح شیمیایی" و "تاکتیک جنگی اسرائیلی صدام" برای توجیه شکست خود بتراشند، می گویند عملیات بعدی یک "هدف سیاسی" (موهوم) را دنبال می کند.

"هفته جنگ" دقیقاً با هدف "آماده کردن همه چیز" (رفسنجانی) برای انجام حمله آتی انجام گرفت. البته، این بار بلندگویان رژیم محتاط تر عمل می کنند و به جای سخن گفتن از "حمله نهایی" آینده، از "یکی دو ضرر"

عمیق نظامی" (همانجا) دم می زنند تا احیاناً پس از حمله نیز، دستشان برای ادامه جنگ همچنان باز باشد. سرمقاله نویس اطلاعات این "استیاط" را بدین شکل تشریح کرد: "به لحاظ تجربه و نیز تأمل، نایستد چاره جیانی شد. سخن از عملیات آخرین، یا عملیات سرنوشت ساز و یا پایان فوری جنگ و ... به میان آورد."

موسوی نخست وزیر را از این هم فراتر نهاد و برای اینکه خیال همه را راحت کند، گفت: "تا دوام جنگ" حتی اگر ۲۰ سال هم طول بکشد "برنامه و هدف جمهوری اسلامی است." (جمهوری اسلامی - ۳ مهر)؛ جنگی که در آن، به قول فرمانده سپاه پاسداران، "استراتژی جمهوری اسلامی ایران حمله است و استراتژی عراق دفاع است." (سخنرانی در نماز جمعه - ۶ مهر)

جالب اینجاست که رفسنجانی برای توجیه انجام عملیات وسیع بعدی، می گوید "جنگ فرسایشی همان چیزی است که استکبار جهانی می خواهد، نه جنگ، نه صلح، حالت آتش بس و رکود. همین رفسنجانی کسی است که چند ماه پیش از همین تریبون نماز جمعه، می گفت حالت "نه جنگ، نه صلح" به سود جمهوری اسلامی است و بالاخره به سقوط صدام منجر خواهد شد. اکنون وی با هدف ترغیب بهانه برای انجام یک یورش جنون آمیز، تاکتیک جنون آمیز دیگری (جنگ فرسایشی) را که تا چندی پیش از آن دفاع می کرد، مورد حمله قرار داده است.

"هفته جنگ" همچنین آشکار ساخت طراحان سیاست جنگی جمهوری اسلامی می خواهند در عملیات بعدی نیز از تاکتیک ضد بشری و جنایتکارانه "امواج انسانی" استفاده کنند.

یکی از روش های این هفته، همراه اندازی تظاهرات اجباری دانش آموزان درد و میهن روز سال تحصیلی به سود جنگ اختصاص داشت. در آغاز هفته، اعلام شد "از دانش آموزان داوطلب جهت آموزش و اعزام به جبهه ثبت نام به عمل خواهد آمد." (جمهوری اسلامی - اول مهر) رژیم، که در برنامه خود به منظور بسیج نیروی انسانی و "گوشه دم توپ" برای جبهه های علت رویگردانی و مقاومت ریزافزون مشمولین سربازان، و حتی پاسداران و بسیجی ها با مشکلات جدی روبرو شده است، می کوشد صفوف کاروانهای راهی جبهه های مرگ را با کودکان و نوجوانانی که هنوز پشت لبشان سبز نشده، پر کند.

وبالاخره، در چارچوب برنامه های "هفته جنگ" رژیم، باید از "روزیج اقتصادی" که هدف "جنگی کردن اقتصاد" و قرارداد تمام

منابع مالی و اقتصادی موجود در خدمت جبهه های برکنار شد، نام برد. در این روز اعلام شد وزارت معادن و فلزات قصد دارد برنامه "افزایش کاری از ۲ الی ۵ ساعت در روز" و حق "را به ضرر دارگران و به سود داغ کردن کوره جنگ به اجراء آورد." (جمهوری اسلامی - ۳ مهرماه) مقامات گوناگون، آمار "کمک" های اجباری جمع آوری شده از موسسات تحت مسئولیت خود برای جنگ را منتشر کردند. وزیر معادن و فلزات با و قاحت گفت: "مجموع کمک های نقدی این وزارتخانه و سازمانهای تابعه آن به جبهه های نبرد ۵۰۰ بالغ بر یک میلیارد و ۲۴ میلیون و ۷۳۴ هزار ریال می باشد. ۵۰۰ وین کمک ها از حقوق افرادی پرداخت شده که در سخت ترین شرایط و در کانال ۶۰۰ متری عمق زمین و یادریای کوره های ذوب فلز مشغول کار طاقت فرسا بوده اند." (همانجا) طبق آمار رسمی منتشره در این هفته، جنگ برای کشور به قیمت روزی ۲۰۰ میلیون تومان تمام می شود. که قطعاً رقم واقعی بسیار بالاتر از این است. سران رژیم، بطرز و قبحانه ای جسارته را ازادی باز هم بیشتر از مردم را برای ادامه جنگ و یورش آتی، به آنها دادند.

روال برگزاری "هفته جنگ" از سوی رژیم باردیگر اهمیت دعوت سازمان ما، حزب توده ایران و سایر نیروهای انقلابی و ترقیخواه را برای بکارگیری همه امکانات علیه جنون جنگ طلبی حکام جمهوری اسلامی را نشان داد. اینک، وظیفه تک تک میهن پرستان و همه نیروهای صلح دوست و آزادخواه است که دست به دست هم دهند و نگذارند نقشه های جنون آمیز سران حکومت برای انجام یک یورش دیگر تحقق یابد.

حمله وسیع نظامی به خاک عراق، که مرتجعین حاکم قصد اجرای آن را دارند، برای میهن به منزله یک فاجعه بزرگ دیگر، و برای منطقه به معنای گسترش خطرناک آتش این کانون جنگ و تشنج است. نیروی صلح، که در اراده و خواست مردم و در تلاش همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه در داخل و خارج از کشور نهفته است، می تواند و باید بر نیروی جنگ و جنگ افروز فائق آید.

**برای پایان دادن
به جنگ و ویرانی،
علیه ارتجاع حاکم
مبارزه کنیم!
فدائیان - اکثریت**

بمناسبت شصت و سومین سالگرد شهادت حیدر خان عمو و غلو بقیه از صفحه اول

حیدر خان، خاکریز مقدم انقلاب گیلان بود



حیدر خان، خاکریز مقدم انقلاب گیلان بود

تراکتی که بعد از شهادت حیدر خان عمو و غلو از طرف حزب کمونیست ایران منتشر شده است

بنحوی در دناك و فاجعه آمیز قتل رسید

بدینگونه بود که در نهم مهر سال ۱۳۰۰

یکی از برجسته ترین رهبران انقلابی و شایسته ترین فرزند مردم به شهادت رسید

بعد از شهادت حیدر خان عمو و غلو،

طرفداران کوچک خان به رشت هجوم آوردند و

ساختن مرکزی حزب "عدالت" را به آتشش

کشیده و وعده زیادی از رهبران حزب، از جمله

نصراله شیخ افق و آریا بزاده و تنی چند از فعالین

آنها به شهادت رساندند. بعضی از رهبران

جنگل، چون احساناله خان مجبور به مهاجرت

شدند و در نتیجه در اواخر سال ۱۹۲۱، رشت

زیر چکمه های خونین قشون ارتجاع به تصرف در

آمد. جنگلی ها سرکوب شدند

چنین شد که شعله های نهضت رهایی

ملی خلقهای ایران را، دوستان متزلزل و دشمنان

قسم خورده خلق، دست در دست هم خاموش

نمودند.

★★★

تراژدی جنگل، پند آموز است. آنجا که

دوستان واقعی خلق، در تفرق و تشتت باشند،

تنها دشمنان خلق کام می گیرند.

قشون کشی راه بجائی نبرده بود، تلاش خود را در جهت نابودی انقلاب از درون، شدت بخشید. چندی نگذشت که تحریکات ارتجاع داخلی و خارجی در درون صفوف جبهه ضد امپریالیست، تخم کین و نفاق افکند.

در این زمینه، تردیدها و ناپیکرهای کوچک خان، نقش بزرگی ایفا کرد و راه برای شکست خونین انقلاب هموار شد.

۲۹ سپتامبر ۱۹۲۱، کمیته انقلاب به

اجلاس نوبتی در "صومعصر" فراخوانده

شده بود. در محل جلسه، اعضای کمیته،

حیدر عمو و غلو، خالو قربان، محمدی، سرخوش،

خالو کریم حضور داشتند. کوچک خان بر خلاف

قرار، به جلسه نیامد و احساناله خان نیز،

در نزدیکی "رودسر" در جبهه بشرعی برد.

چندی از اجلاس برگزیده بود که باران لیل به

محل اجلاس بارید و شعله های آتش از آن زبانه

کشید. سرخوش، زنده، زنده سوخت. خالو

قربان، خالو کریم و حیدر خان، از پنجره خود

را بیرون انداختند و به درون جنگل پناه بردند.

حیدر خان که آشنایی به راههای جنگل

نداشت، به دشواری و با تنی زخمی خود راه

قصبه ای بنام "پسیخان" در نزدیکی رشت

رساند. در آنجا توسط سربازان یکی از رزوه های

جنگل دستگیر شد و سرانجام به دست

"معین الرعایا" یکی از طرفداران کوچک خان

سپرده شد. در آنجا این فرزند قهرمان و

فرزانه خلقهای ایران در آتش شگوفائی همه

جانبه خصائص رهبریش، در سن ۴۲ سالگی،

نام حیدر خان عمو و غلو، انقلابی فرزانه، سازمانگر و بنیادگذار فرقه سوسیال - دمکرات و حزب کمونیست ایران و انترناسیونالیست بزرگ، بر پستانی جنبش رهایی ملی خلقهای ایران، از چنان درخششی برخوردار است که یاد و نام خجسته اش، همواره در دل های رزمندگان راه استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم زنده است و عزم و اراده پیروان راهش را استواری می بخشد.

نقش و حضور حیدر خان در عظیم نداشتن

توطئه ها و فتنه های ارتجاع داخلی و خارجی

بر علیه جمهوری نوین گیلان، نقش عظیم

و حضوری بغایت ثمرآفرین بود، و از همین رو نیز،

ارتجاع وی را به صورت سدی عمده در مقابل خود

می دید. تدابیر هوشمندانه و انقلابی

حیدر خان، به دفعات پیرش ارتجاع را خفیه

ساخت. آنزمان که سوه تدبیر کوچک خان

و اطرافیان، محیط را برای پاشیدن تخم فتنه

و فساد (ارتجاع) مساعد می نمود و انقلاب را با

خطر جدی مواجه می ساخت، اندیشه شهادت

و جسارت کم نظیر حیدر خان، نقشه های ارتجاع

را نقش بر آب می کرد. آخرین یورش قشون ارتجاع

قبل از شهادت حیدر خان، به سرکردگی رضا

خان وزیر جنگ حکومت مرکزی، از جانب

نیروهای انقلابی جنگل که توسط حیدر خان

رهبری میشدند دفع و قشون دشمن تار و مار گردید

بعد از آن حادثه، اعتبار حکومت انقلابی گیلان

و نفوذ معنوی حیدر خان در میان توده ها بطور

چشمگیری بالا رفت. ارتجاع مرکز، که از طریق

بمناسبت هشتادمین سالگرد تولد نیکلای آستروفسکی

به پیش! به پیش! تا نخستین صف!

مشغول کار شد. ابتدا کارگری ساده بود و بعد

به عنوان آتشکار لوکو موئیو بخاری استخدام

شد. او در سن ۱۶ سالگی به ارتش سرخ پیوست

تا از همین و انقلاب سوسیالیستی در برابر

متجاوزین بیگانه و نوکران ضد انقلابی داخلیشان

دفاع کند. آستروفسکی در ۱۹ سالگی به سمت

دبیر کمیته ناحیه ای سازمان جوانان حزب

(کسمول) انتخاب شد. در اینجانب نیز

همچون دوران شرکتش در جنگ، از هیچ کوششی

در رهبری جوانان برای بازسازی اقتصاد درهم

پاشیده و ارتقای وضعیت اقتصادی و اجتماعی

ناحیه خویش باز ایستاد.

شعار نیکلای آستروفسکی این بود: "به

پیش! به پیش تا نخستین صف!" او حتی زمانی

که سرنوشت ناسازگار ضربات خرد کننده خود را

رایکی پس از دیگری بر پیکر او وارد می کرد، دست

از این شعار نشست. زخمهایی که در طول جنگ

بر پیکر او وارد آمده بود پیاده هایی را بار آورده

رفته رفته به یک بیماری گسترش یابنده و مرگ آور

بدل شد. تنها ۲۳ سال داشت که تقریباً

امسال مصادف با هشتادمین سالگشت

تولد نویسنده مشهور شوروی، نیکلای آستروفسکی

است، مردی با شخصیتی بی همتا و شجاعتی

بی مانند.

کتاب "چگونه فولاد آبدیده شد" او که

از شهرت جهانی برخوردار است، بیش از پنجاه

سال پیش نوشته شد. در آن زمان او مرد بسیار

جوانی بود که هیچ تجربه ای ادبی نداشت.

از این گذشته، سالها بود که در ستیزه های پسر

می برد و می دانست که به ناچار کور و کمالاً فلج

خواهد گشت.

اگرچه او سرنوشت تلخی داشت، ولی

از خوشبینی چشمگیر، استعدادی نادر و اراده

شگفت برخوردار بود. وی در سن ۳۲ سالگی

درگذشت ولی می توان گفت که عمر که تا هشتاد

شا هکار به تمام معنی و ایثارگران در خدمت

انقلاب و فردای روشن توده ها شد.

نیکلای آستروفسکی سال ۱۹۰۴ در شهر

کوچکی به نام پشتو و کادرا و کرین تولد یافت.

پسر که خانواده فقیری داشت به ناچار از کودکی



به فلج کامل دچار گشت و بینایی خود را از دست

داد، ولی او را سر سازش باز نیستن بیپوده و به

دور از خدمت به مین نبودند. لذا به دلیل

نا توانی بدنی، حمله را از جبهه یکسرنوینی

آغاز کرد. نیکلای گام در راه نویسنده گی نهاد.

او باستانی لرزان و به کمک یک وسیله

ویژه ابتکاری که عبارت از مقوایی سوراخ شده

بود، اولین فصول یک رمان را نوشت. برخی

از قسمتهای آنرا نیز به دوستان و خویشان و دانش

انشار کرد. بالاخره کوشش پهلوانی او به کمال

بقیه در صفحه ۸

باتمام قوا و با بهره‌گیری از هر امکان و اجتماعی، در افشای جنایات ارتجاع بکوشیم!

گزارش چند آکسیون اتریش

در روزهای اول و دوم سپتامبر جشن مطبوعاتی "صدای خلق" Volks Stimme ارلان حزب کمونیست اتریش، در وین برگزار شد. در این جشن که احزاب کمونیست و نیروهای مترقی بسیاری از کشورهای مختلف جهان شرکت داشتند، حزب توده ایران و سازمان ما نیز به دعوت حزب کمونیست اتریش، حضور یافتند. نزدیک به یک صد هزار نفر از مردم اتریش در این جشن شرکت کرده و از غرفه‌ها و برنامه‌های

ارگه شد مدتی آن بازدید به عمل آوردند. غرفه مشترک "کار" و "نامه مردم" که بسیاری شعارهایی در محکومیت رژیم جمهوری اسلامی و ناپسندیدگی و یوستری که جنگ، کماتار، فقر و احتیاق را در میهنمان نشان می‌داد، پر شده بود. مورد بازدید بسیاری از شرکت کنندگان در جشن قرار گرفت. چندین هزار نفر از مردم اتریش و نیروهای مترقی سوسیالیست کشورها ضمن بازدید از غرفه ایران، با امضای متن درخواست آزادی زندانیان سیاسی و قطع فوری جنگ، همبستگی خود را با مردم ایران ابراز داشتند. غرفه مورد بازدید دبیرکل حزب کمونیست اتریش نیز قرار گرفت. ایشان ضمن امضای متن تهیه شده، استقبال بازدید کنندگان از غرفه را چشمگیر خواند و آنرا بیانگر علاقه مندی مردم اتریش و نیروهای مترقی همه کشورها به مسائل ایران و حمایت آنان از مبارزات مردم ما دانست.



یونان

بنا به دعوت سازمان جوانان کمونیست یونان، هواداران حزب توده ایران و سازمان ما در این کشور، غرفه مشترکی در دهمین فستیوال روزنامه جوانان کمونیست یونان "ادیگیتیس" ODIGITIS برپا ساختند.

جشنواره مذکور که همه ساله در ماه سپتامبر در آتن برگزار می‌شود، امسال نیز از سیزدهم تا شانزدهم سپتامبر با شرکت بیش

از نیم میلیون نفر، به نحو باشکوهی برگزار شد. غرفه مشترک حزب و سازمان مورد بازدید هزاران شرکت کننده در این جشنواره قرار گرفت. بازدید کنندگان غرفه مشترک با پرکردن ۲۰۰۰ کارت اعتراض نسبت به اعدام انقلابیون در ایران و پست کردن آنها برای سفارت - ۱۰۰ در آتن، حمایت خود را از مبارزات نیروهای انقلابی در ایران ابراز داشتند. رفیق سپرور هلوآتز - سپر Halwatzis دبیر شورای مرکزی جوانان کمونیست یونان یکی از بازدید کنندگان غرفه بود که هنگام حضور در آن در رابطه با وضع کنونی ایران گفتگوهایی با رفقای حزب و سازمان به عمل آورد و از سوی جوانان کمونیست یونان با مبارزات مردم میهن ما علیه ارتجاع حاکم ابراز همبستگی نمود.

هندوستان

لودیانا - در تاریخ بیستم ماه اوت امسال با فراخوان رفقای سازمان، جلسهای در شهر لودیانا هندوستان برای تشریح اوضاع ایران و افشای جنایات جمهوری اسلامی برگزار شد. در این جلسه نماینده احزاب و سازمانهای مترقی جمعی از دانشجویان و استادان دانشگاهی و رهبران از جمله استادان دانشگاه تئوری پانچا و رئیس دانشگاه خالسا و نیز تعدادی از وکلاء مترقی شرکت جستند.

در ابتدای جلسه، توسط رفقای سازمان توضیحاتی درباره اوضاع کنونی ایران و ضرورت دفاع از زندانیان سیاسی و محکوم نبودن جنایات رژیم جمهوری اسلامی داده شد. سخنرانان بعد جلسه، ضمن پشتیبانی از مبارزات حق طلبانه مردم ایران، دستگیری، شکنجه و اعدام نیروهای انقلابی را محکوم ساخته و برای تشکیل "کمیته دفاع از انقلاب و زندانیان سیاسی ایران" ابراز آمادگی نمودند. سرانجام ۶ نفر به عنوان عضویان کمیته انتخاب شدند. در همین جلسه بیانیه اعلام موجودیت کمیته صادر شد و قطعنامه‌های نیز به تصویب رسید. در قطعنامه آمده است: "شرایط فعلی ایران موضوعی است که فکر همه آنهایی را که ارزشهای دموکراتیک برایشان دارای است، به خود مشغول می‌دارد. مردم انقلابی و میهن پرستان ایران، که رژیم دست نسانده شاه را در سال ۱۹۷۹ سرنگون کردند، انتظار داشتند که دولت جدید، تغییرات اجتماعی - اقتصادی بنیادینی را بپذیرد. ولی برعکس، دولت - ۱۰۰ که قبلاً...

زستهای مردمی گرفته بود تغییر جهت داد. ... تمام کسانی که با سیاستهای آن مخالف بودند نرا سرکوب کرد. در این روند، هزاران نفر به ویژه از اعضای حزب توده ایران، سازمان فدائیان

خلق ایران (اکثريت)، مجاهدین خلق و سایر نیروهای مترقی و دموکرات، یازدانی شدند. با اعدام ۱۰۰ در قطعنامه خواسته شده است که کلیه حقوق دموکراتیک در ایران استقرار یابد، زندانیان سیاسی همه تروها به فوری آزاد شوند و جنگ متوقف گردد.



پوستری که کمیته دفاع از انقلاب و زندانیان سیاسی ایران "در آستانه هفته تبلیغ علیه جنگ" منتشر نمود.

در روزهای پنجم و ششم سپتامبر دوین کنفرانس نویسندگان مترقی هیماچال پرادش برگزار شد. در این کنفرانس چهره‌های ادبی - سرشناسی همچون دکتر واریام سینت عضو فدراسیون ملی نویسندگان هندوستان، تنیش بارد وای - شاعر، نویسنده و روزنامه‌نار مشهور، و رفیق کشوراما شاعر معروف ایالت هیماچال - پرادش شرکت داشتند. رفقای سازمان ما نیز در این کنفرانس حضور یافته و از وقتی که در اختیار آنان گذاشته شده بود برای افشای تحقیقات و جنایاتی که جمهوری اسلامی در حق نویسندگان شاعران و هنرمندان و همه نیروهای انقلابی میهنمان روا می‌دارد، بهره جستند. در محل کنفرانس نمایشگاهی نیز از سوی رفقای ما برپا شده بود که مضمون آن افشای اختناق موجود در ایران به ویژه در رابطه با نویسندگان و هنرمندان بود. این پلانها نیز در سالن سخنرانی نصب شده بود: "اعلام و سرکوب نویسندگان



نهادها و ادارات جمهوری اسلامی، غرق در فساد و رشوه خواری

ترك دنیا به مردم آموزند
خویشتن مال و غله اند و زند

فساد، رشوه خواری، باند بازی و بیه
قول خود رهبران حکومتی "رابطه گرایسی
و توصیه بازی"، یعنی از وجوه بارز ارگانها،
نهادها و ادارات دولتی رژیم جمهوری اسلامی
شده است. فساد آنچنان برجستگی یافته
است که اکنون خود رهبران رژیم نیز که مسبب
این وضعیتند، از نیاز به انقلاب آداری سخن میگویند.
این وضعیت و نیز اصطلاح "انقلاب آداری"
برای مردم میهن مایه پدیده های تازه ای نیستند.
در اواخر عمر رژیم پیشین نیز با وج گیری لجام
گسیخته ترس و دزدی و رشوه خواری، شاه
هم از "انقلاب آداری" دم می زد.
در اواخر مرداد ماه سال جاری، اخباری
مبنی بر دستگیری برخی از مسئولان دولتی،
به جرم رشوه خواری، در روزنامه ها منتشر گردید.
در شهرداری تهران ۶ نفر از کارکنان عالی رتبه
و از جمله شهردار، منطقه، به همین جرم دستگیر
شدند. در وزارت صنایع سنگین نیز مدیر کل
وزارتخانه و ۵ کارشناس به همین خاطر دستگیر
گردیدند.

این موارد، که به دلایل معینی (از جمله
رقابت جویی و تصادم باند های رشوه خوار
بایکدیگر) افشا گردیده اند، به هیچ وجه تصادفی
استثنایی و گذرانیستند.

تازه به دوران
رسیده های جمهوری اسلامی در زمینه فساد،
دزدی و رشوه خواری گهی سبقت را از کهنکارها
رژیم شاهنشاهی نیز برده اند. نشریه
"اکنونیست" چاپ لندن در این مسود
می نویسد در ایران "قبل از انقلاب آنهایی که
در مشاغل بالا بودند، دیوایه در صدد ارزش
فرزاد هارایه عنوان رشوه اخذی می کردند،
ولی حالا به دلیل اینکه افراد مرتبا به خاطر
مسایل سیاسی از مشاغل خود برکنار می شوند،
بنابراین می خواهند زود تر ثروت مند تر شوند و از
اینرو اکنون، ده درصد یا بیشتر از ارزش قرار
داد ها رایبه عنوان رشوه برمی دارند."

سواستفاده ها و دزدیهای که در حال
حاضر در ارگانهای جمهوری اسلامی صورت
می گیرد، ارقام کلانی را تشکیل می دهند. تاکنون
تنهاد رجریان درگیریهایی بین جناحهای مختلف
حاکمیت، گوشه های کوچکی از این سواستفاده ها
در معرض دید همگان قرار گرفته است. بیه
عنوان نمونه، یکی از نمایندگان مجلس
وضعیت را در وزارت نفت چنین توصیف می کند:
"۹۰۰ میلیون دلار در رابطه با قرارداد های
تصفیه نفت خام در طی یک سال و نیم، زیان به
کشور وارد شده و نیز زیانی به میزان ۵۰ میلیون
بقیه در صفحه ۹

ایران، ترکیه و عراق اختصاص داشت. از آنجایی
که ارتش ترکیه از ناتو دستور می گیرد و در سرکو
خلق کرد باید نقش آمریکا را نیز در نظر داشت
به سفتیک مترسک عمو سام نیز که از جانب رفقای
ما تهیه شده بود، کوجه فرنی و تخم مرغ نندیده
پرتاب شد.

خبر این مراسم در روزنامه ها و رادیوی
کپنهاک، انعکاس یافت.

آلمان فدرال

اشتوکن بروک
در جریان جنگ جهانی دوم بیست و
۴۰ هزار تا ۶۵ هزار نفر از سربازان ارتش
سرن و سربازان لهستانی، یوگسلاویایی، فرانسوی
و بعد از آن ایتالیاییهای دمکرات در هنگام مصاف
با ارتش هیتلری در جبهه های که اکنون آن شهر
کوچک اشتوکن بروک در ۳۰ کیلومتری بی لفسد
بود کشته شدند. برخی از کشته شده ها سیران
جنگی بودند که به نحو وحشیانه ای شکنجه
شده و اعدام گردیده اند. هر ساله در این محل
برای بزرگداشت یاد قربانیان فاشیسم و جنگ
مراسمی با شرکت نیروهای ترقیخواه، برکنار
می شود.

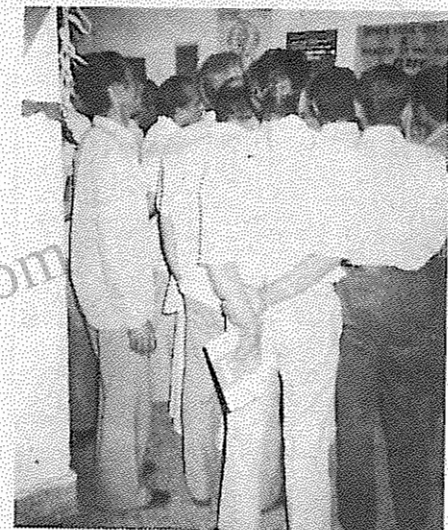
امسال نیز در اول سپتامبر - روز جهانی
صلح - مراسم با سخنرانی نماینده سفارت اتحاد
شوروی آغاز گشت. در جریان در دهایی، سیا -
ستهای جنگ افزوانه ریلان با فاشیسم هیتلری
قیاس شده و محکوم گردید. رفقای ما و حزب و نیز
کمیته همبستگی با ایران در این مراسم حضور
داشتند. از طرف هر سه جریان دسته کلپایی
بر روی آرامگاه سربازان شهید جنگ دوم نهاده
شد و تعداد زیادی اعلامیه مشترک حزب و
سازمان به مناسبت روز جهانی صلح به زبان
آلمانی پخش گردید. کارت پستالهایی نیز بین
جمعیت توزیع شد که مضمون آن محکوم ساختن
جنايات جمهوری اسلامی و جنون جنگ طلبی
این رژیم بود. بسیاری از شرکت کنندگان در
مراسم این کارت پستالها را امضا کرده و برای
سفارت رژیم در برن ارسال نمودند.



کاپرزلاوترن - رفقای سازمان ما و حزب
توده ایران در مراسم روز جهانی صلح - اول
سپتامبر - که به دعوت D.G.B برگزار شد،
شرکت جستند و با حمل پلاکارد و پخش
اعلامیه و گرفتن امضا، شرکت کنندگان در این
مراسم را در جریان جنايات جمهوری اسلامی و
جنون جنگ طلبی این رژیم، گذاشتند.

مترقی ایران را قطع کنید"، زندانیان سیاسی
در ایران، باید آزاد شوند"، شکنجه و اعدام
نویسندگان ایرانی را محکوم می کنیم"، "جنگ
ایران و عراق باید متوقف شود".

اکثر سخنرانان کنفرانس که از چهره های
ادبی برجسته هند وستان بیه ایالت هیماچال
پرادش بودند، اختناق موجود در ایران را محکوم
کرده و خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی
ایران خاصه نویسندگان و هنرمندان نشتنند. همه
سخنرانان بر روی جنایات رژیم جمهوری اسلامی
در رابطه با چهره سیاسی و ادبی برجستهای
همچون احسان ظیری تکیه ویژه ای داشتند. در
پایان کنفرانس قطعنامه ای نیز در این مورد به
تصویب رسید.



نمایشگاه عکس هواداران سازمان در محل دومین
کنفرانس نویسندگان مترقی هیماچال پرادش

دانمارک

به دنبال تجاوز نظامی ارتش ناتوی
ترکیه به مناطق کردنشین ایران و عراق، در روز
چهارشنبه ۵ سپتامبر در شهر کپنهاک دانمارک
یک حرکت اعتراضی نسبت به این اقدام سرکوبگرانه،
انجام گرفت. یک هفته پیش از این تاریخ، بیه
دعوت انجمن کارگری - ترکی F.A.T. نمایندگان
جریانات مختلف سیاسی سه کشور ایران، عراق و
ترکیه، در جلسهای راجع به نحوه سازمان دادن
این حرکت و صدور قطعنامه مربوط به آن، بیه
بحث و تبادل نظر پرداختند. علاوه بر حزب
توده ایران و سازمان ما ۸ سازمان ترکی، عراقی و
دانمارکی نیز در جلسه هماهنگی حضور داشتند
که همگی قطعنامه را امضا کردند.
در ساعت ۴/۵ بعد از ظهر روز سه شنبه

تظاهرات کنندگان در محل مقرر شده جمع شدند و به
سمت دفتر هواپیمایی ترکیه حرکت کردند. پیشاپیش
جمعیت پلاکاردهایی با عبارتیهایی همچون "زنده
باد همبستگی خلقهای جهان" و "دست
ارتش فاشیست ترکیه از کردستان کوتاه باد" و
امضای "نیروهای دمکراتیک ایران، عراق و ترکیه"
حمل می شد. شعارهای تظاهرات همگی بعد دفاع
از خلق کرد و محکوم ساختن رژیمهای ارتجاع

کارنامه جمهوری اسلامی در مراکز آموزشی،

سیاه و ننگین است ۲

مدارس ملی، رفع موانع

علا نیز از مدت‌ها قبل، پیش از پیام ۶ شهریور در رسمیت و صراحت بخشیدن به باز بودن دست‌تجار و سرمایه داران در غارت و چپاول مردم، سیاست حفظ برخی از مدارس خصوصی تحت عناوین کوناگون و برای ایامی مناسب پیش‌برده می‌شد. کیهان در شماره ۲۷ شهریور خود می‌نویسد: "پس از پیروزی انقلاب اسلامی و انحلال مدارس غیر دولتی، مسئولین بعضی از مدارس اسلامی با اعلام غیر انتفاعی بودن و عدم مغایرت آن با قانون بنه فعالیت خود ادامه دادند. در این زمینه تبصره‌ای از سوی شورای انقلاب مبنی بر مشارکت مردم (۱) در امر تعلیم و تربیت در کنار قانون انحلال مدارس غیر دولتی تصویب شد. و اکنون پس از رفع موانع "مدارس اسلامی غیر انتفاعی" و دیگر مدارس خصوصی وسیعاً با پرداخت حق‌های کثاف نسبت به مدارس دولتی به جذب معلمین باسواد و مجرب و نیز اخذ مبالغ سنگین به عنوان مختلف و هنوز نه "شهریه" مشغولند. در این زمینه روزنامه مجاز کیهان می‌نویسد: "مسئولین اینگونه مدارس به منظور ارائه خدمات رفاهی و سایر امکانات آموزشی مبالغه‌آمیز را از والدین دانش‌آموزان دریافت می‌کنند. به این ترتیب عملاً امکانات آموزشی موجود در اختیار طبقه مرفه جامعه قرار می‌گیرد."

در همین روزنامه آمده است: "در دبیرستان البرز از هر خانواده برای ثبت‌نام دانش‌آموزان بین هزار تا هزار و پانصد تومان پول نقد دریافت می‌شود."

انصراف و محرومیت از تحصیل

کارنامه مسئولین آموزش ابتدایی و متوسطه فقط در زمینه به سقوط گذاشتن و تزلزل بازمی‌بیشتر سطح آموزش و تعلیمی کردن آن سیاه نیست. یکی از "شاه" کارهای آنان در این زمینه را باید در محروم کردن صد‌ها هزار دانش‌آموز میهن‌مندان از تحصیل دانست. سیاستهای جاری و دستورالعمل‌های ارتجاعی ارائه شده در آموزش و پرورش عملاً جمعی کثیری از فرزندان زحمتکشان میهن و به‌ویژه دختران روستایی را از تحصیل باز داشته است. بخشنامه‌های دایر بر منع تشکیل کلاسها با کمتر از ۳۰ نفر - این حد نصاب بعداً و در برخی مراحل و مناطق ۱۰ نفر عنوان گردید - و همچنین سیاست جداسازی مدارس دختران و پسران، تعطیلی بسیاری از مدارس و به‌ویژه در روستاها را بدنبال داشته است. اینگونه اقدامات منطبق و ارتجاعی، در کنار تشدید بحران اقتصادی و فشارهای کمرشکن ناشی از جنگ و فقر گرانی و بی‌بیماری و... پیش از پیش به میزان منصفین و محرومین شدگان

نهادهای ادارات...

دلار در رابطه با فروش چهارمیلیون بشکه نفت خام به شرکت کاغذی دلال نفت که این شرکت‌های دلال فقط روی کاغذ وجود دارند ۰۰۰ ریالی به مبلغ یازده میلیون تومان به بیت‌المال که در رابطه با فروش بشکه‌های خالی نفت توسط یکی از اطرافیان وزارت نفت صورت گرفته ۰۰۰ درخیز ۵ میلیون متر چلوار و کرباس سواستفاده صورت گرفته و آن را در بازارهای سیاه خوزستان و فارس به فروش رسانده‌اند. (کیهان ۱۳/۶/۶۳) فساد تنه‌ای این ارگان و آن اداره محدود نیست. در همه ادارات و ارگانها فساد در تمام سطوح گسترش یافته است. گزارشات مستقل نشان می‌دهد که در وزارت نفت، صنایع سنگین، بازرگانی، سپاه پاسداران، دفاع ملی، سازمان صنایع ملی، بنیاد مستضعفان و ۰۰۰ دزدی و اختلاس در ارقام نجومی صورت می‌گیرد. رشوه خواری و اختلاس توسط مسئولین و مقامات حکومتی و دولتی تنه‌ای به معاملات خارجی محدود نمی‌شود. در مراجعه به ادارات و نهادهای دولتی تقریباً برای انجام هرکاری باید رشوه پرداخت. باند‌های رنگارنگی در درون ارگانها مختلف تشکیل شده‌اند که "گره‌گشای" هرگونه مساله‌ای هستند. با دادن رشوه به این باند‌ها می‌توان هر منوعی را مجاز ساخت و هر نوبتی را نادیده گرفت. بسیاری از کارها، بر مبنای توصیه و تلفن صورت می‌گیرد. برای استخدام شدن در یک اداره یا شرکت دولتی، حتماً باید چند معرف دینیغود داشت و برای گرفتن وسایل اولیه زندگی لازم است دم آخوند یا کمیته‌چپی‌ها محل را دید.

در یکی دو سال اولیه عمر رژیم جمهوری اسلامی جنبه مالی فساد ارگانهای دولتی کمتر عیان بود. انحصار طلبی حکام باعث می‌شد که فساد بیشتر شکل رابطه بازی و پنهان شدن در پس‌یک نقاب مذهبی یا توسل به ریش و تسبیح را به خود بگیرد. هنگام با پشت کردن رهبری جمهوری اسلامی به انقلاب در عین حال کسسه انحصار طلبی و باند بازی رشد یافت و بر حرمت ریش و تسبیح افزوده شد، جنبه فساد مالی و رشوه خواری و دزدی نیز برجستگی بیشتری پیدا کرد.

اکنون فضاحت این وضعیت آنچنان آشکار گشته است که رهبران جمهوری اسلامی خود را ناچار به نشان دادن واکنش در مقابل آن می‌بینند. از صحبت‌های هفته‌های اخیر رهبران رژیم پهره‌پوشی برمی‌آید که این واکنش چگونه خواهد بود. همه کاسه و کوزه‌ها بر سر کارمندان شکسته خواهد شد که دستشان به جایی بند نیست و به باند‌ها رژیم وابسته نیستند.

فساد، رشوه خواری و باند بازی ذاتی حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی است. به راه انداختن معرکه تازه‌ای با عنوان "انقلاب ادبی" و یا "مبارزه با فساد در ادارات" تنها در حکم به هم زدن یک باطلای متعفن می‌باشد.

از تحصیل می‌افزاید بسیاری از دانش‌آموزان در مراحل مختلف تحصیلی مجبورند برای شرکت در کار تأمین مخارج خانواده و تحصیل مزدی ناچیز مدرسه را رها کرده و به بازار کار رو آورند. سیاستهای خائنانه حاکمیت جمهوری اسلامی در تشدید آلام و مصائب خلق و نیز دستورالعملها و اقدامات مجریان این سیاستها در آموزش و پرورش نقشی وزن کاملاً بارزی در افزایش عدم میزان محرومیت از تحصیل جوانان دارد. آمار و شواهد افشاگر کارنامه ننگین جمهوری اسلامی در این زمینه است. در چند نفر از افراد یک در سال تحصیلی قبل، تحصیل کرد‌اند در ۱۵ سال اخیر در آموزش و پرورش کشور بی‌سابقه بوده است.

بظهور متوسط از هر ۱۰۰ کودک ایرانی ۲۰ نفرشان نمیتوانند خواندن و نوشتن بیاموزند. از هر ۱۰۰ دانش‌آموز که به دبستان راه می‌یابند فقط ۵۰ نفرشان به دوره راهنمایی می‌رسند و از هر ۱۰۰ نفر که موفق می‌شوند دوره راهنمایی را اتمام کنند ۷۵ نفرشان رتبه دبیرستان را هم نمی‌بینند. باید افزود که در مناطق روستایی و به‌ویژه در میان دختران این آمار و ارقام وحشتناکتر است.

آموزش و پرورش و دختران دانش‌آموز

دختران و زنان زحمتکشمی‌ها، علاوه بر بارستم طبقاتی و ستم‌ناهی از جنسیت، ستمی اندیشه‌ها و تفکرات پوسیده و بخایت ارتجاعی حاکمان جمهوری اسلامی را نه همچون بختک سیاهی بر زندگی آنان سایه انداخته است رانیز باید متحمل شوند. وضعیت بد و اسفبار آموزشی و جو حاکم بر مدارس پسرانه در مورد دختران و وجدان می‌شود. سیاست جداسازی مدارس دختران و پسران در روستاها باعث شده است نه به‌علت کمبود مدارس و اختصاص مدارس موجود به پسران بسیاری از دختران از تحصیل محروم بمانند. عدم اجازه تدریس به دبیران مرد در دبیرستانهای دخترانه و کمبود دبیران زن ماهر و با تجربه، فقر آموزشی بیشتری را برای آنان به ارمغان آورده است. تحمیلات ارتجاعی دوناگون در زمینه پوشش دختران دانش‌آموز هر زمان شدت و فشار بیشتری می‌یابد. این تاریخ اندیشان حتی برای دختر بچه‌های سه، چهار ساله مهد‌های کودک نیز "مقنعه" را اجبار کرد‌اند.

رسماً و علناً در دبیرستانهای دخترانه توسط معلمان امور تربیتی و تعلیمات دینی اخلاقیات منحط و فساد و فحشاء شرعی تبلیغ می‌گردد. ثواب صیغه شدن بر شمره می‌شود و با کمال بی‌شرمی "مشرومیت" تعدد زوجات پوشش آنان خوانده می‌شود.

بقیه در صفحه ۱۰

پیام سازمان جوانان

بقیه از صفحه ۳

بدنی، تعزیر، تحقیر و... بخشی از زندگی روزمره محیط‌های آموزشی است. اشاعه افکار کثیف و ارتجاعی "ثواب صیغه‌شدن" و تبلیغ "ازدواج در سنین پایین" در بین دانش‌آموزان دختر، رسماً و عملاً صورت می‌گیرد. اشاعه فرهنگ تفرقه، ریا و تزویرو خبرچینی و جاسوس‌ما‌بسی کار همیشگی عمال حکومت در محیط‌های آموزشی است.

فضای خفقان آلود و حزن‌انگیزی که جمهوری اسلامی به محیط‌های آموزشی تحمیل کرده، نتایج دهشتناک جنگ خانمانسوز و صدها فاجعه دیگری که جمهوری اسلامی بپا آورده، هر روز شدیدتر، زندگی و آینده شهادت‌آموزان و دانشجویان را تهدید می‌کند. کشتاردها هزار دانش‌آموز در کوره‌های جنگ و یرانگسرها نمودار بارز از این جنایات رژیم است. رژیم خود اذعان کرده است که بیش از ۵۳٪ نیروی بسیج (جبهه) دانش‌آموزان بین ۱۶ تا ۱۸ ساله هستند. رژیم دانش‌آموزان را با فشار و نیرنگ از پشت میزهای درس روانه جبهه‌ها می‌کند و آنها را گوسفند می‌توپ می‌سازد و در میدان‌های مین به خون می‌کشد. کودک‌کشی و جوان‌کشی راه و رسم رژیم شده است. جمهوری اسلامی فعالیت‌های فرهنگی، هنری، علمی و اجتماعی را منع و ورزش و تفریحات سالم را نابود کرد و در محیط‌های آموزشی تخم خرافات و فساد و کینه و مرگ می‌پاشد.

با اینهمه هر روز خورشدهای خشم و نفرت شهادت‌برابر کردار حاکم مرتجع‌بارزتری می‌گردد. مردم ایران از اقدامات رژیم متنفرند و دانش‌آموزان و دانشجویان محیط آموزشی را در تیر و تیرانهایی والای انسانی و مردمی خود به عرصه رزمی توفنده ترغیب رژیم بدل می‌سازند.

دانش‌آموزان و دانشجویان مبارزان مبارزات دانش‌آموزان و دانشجویان ایران، بعنوان بخشی از جنبش عمومی ضد امپریالیستی و دموکراتیک کشورها، همواره نقش مهمی در مبارزات مردم داشته است. مقامات و مبارزه شهادت‌آموزان و دانشگاهی‌ها طایفه‌های گذشته در به بن بست کشیدن و رسوا ساختن سیاست‌ها و اقدامات ضد فرهنگی، ضد آموزشی و ارتجاعی رژیم، نقش بزرگی ایفا کرده است. اکنون در شرایط رشد شتاب‌گیر جنبش توده‌ای، وظایف مبارزاتی شما با رزم سنگین‌تری شود. با تمام نیرو در راه انجام این وظایف بکوشید.

با همه امکانات در برابر سیاست جهانی رژیم که جوانان را به مسلخ جنگ می‌فرستد، افشاگری و اعتراض کنید و در هر کجا و به هر شکلی که می‌توانید علیه آن مبارزه کنید. جوانان ناآگاه را برای خروج از "بسیج" و ترک جبهه‌های جنگ و خنثی کردن توطئه جنایتکارانه رژیم برای گسیل آنها به جبهه‌ها راهنمایی کنید.

— علیه سیاست‌های ضد آموزشی رژیم —
افشاگری و مبارزه کنید. در برابر فقدان معلم و استاد با سواد و متعهد، اخراج معلمین و استادان ترقیخواه، برنامه‌های بی‌محتوای آموزشی، اشاعه خرافات و مطالب ضد علمی در کلاسها و در کتب درسی، بسته شدن کلاسها و کانونهای آموزشی و دیگر موارد، به روشکسل ممکن، مبارزه خود را گسترش دهید. علیه سیاست بغایت ارتجاعی چند مرحله‌ای کنکسور و دی دانشگاه‌ها هر چه گسترده‌تر اعتراض کنید.

— اقدامات و فشارهای ضد دموکراتیک در مدارس و دانشگاه‌ها را هر چه وسیع‌تر افشا کنید و همگان را به مبارزه علیه آنها فراخوانید. با تفتیش عقاید و خبرچینی مقابله کنید. نام و نشان وابستگان به انجمن‌های اسلامی و افرادی را که در بین معلمان و دانش‌آموزان و دانشجویان جاسوسی می‌کنند افشا و آنان را طرد و منفرد سازید. برنامه‌های تبلیغاتی و شعارهای رژیم همراهی نکنید و به روشکسل ممکن برای شکست آنها بکوشید. — از هر مکانی برای ایجا د و تقویت تشکل‌های صنفی و فعالیت‌های فوق برنامه در عرصه‌های گوناگون استفاده کرده و آنرا وسعت دهید.

— سیاست‌های رژیم را در اشاعه تباہی و فساد در میان جوانان افشا کنید. در راه گسترش فعالیت‌های آموزشی و ورزشی و ترویج تفریحات سالم و سازنده بکوشید.

دانش‌آموزان و دانشجویان مبارزان! امروز، جنبش ما بیش از هر زمان به کسار آگاه‌گرا نه و هشپاری و ایستادگی شما نیازمند است. تدارک سازماندهی و هدایت مبارزات دانش‌آموزان و دانشجویان عرصه مهمی از فعالیت انقلابی شماست. در شرایطی که ارتجاع حاکم از هیچ‌گونه ددمنشی و جنایتی برای سرکوب نیروهای انقلابی خود داری نمی‌کند، وظایف دشوار و خطیری در برابر شما قرار گرفته است که باید آنها را با حد اکثر هوشیاری و بکارگیری همه تجارب به انجام رسانید.

— در آگاه کردن توده دانش‌آموزان و دانشجویان به مبارزه، پیشرو باشید و انسان را برای ایفای نقش عظیم شان در جنبش انقلابی میهن آماده کنید.

— اعتراضات و مبارزات دانش‌آموزان و دانشجویان را علیه سیاست‌های ضد آموزشی، تضییقات ضد دموکراتیک و دیگر سیاست‌های ارتجاعی حکومت سازماندهی و هدایت کنید.

— ضرورت و اهمیت تشکل‌های صنفی، دانش‌آموزان و دانشجویان را هر چه بیشتر تبلیغ نموده و فعالیت آنان را در جهت ایجاد و گسترش تشکل‌های گوناگون هدایت کنید.

— اعلامیه‌ها، تراکتها و نشریات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) را به هر طریق ممکن پخش کنید و نظرات و شعارهای سازمان را به میان دانش‌آموزان و دانشجویان ببرید. جوانان را برای شنیدن رادیوهای مدافع انقلاب تشویق کنید. افراد مطمئن را که گرایش

کارنامه جمهوری اسلامی

ازدواج در سنین پایین به دانش‌آموزان توصیه می‌شود. بسیاری از مسئولین آموزش و پرورش به همراه معلمین امور تربیتی تبلیغ می‌کنند که بهتر است دختران هر چه زودتر شوهر کنند، در سرخواندن به چه درد آنها می‌خورد؟ به خانه خنیده و در جنب آشپزی بپردازند. طرح کذابی "گاد" کارآموزی در بین تحصیل — مورد دختران دانش‌آموز در سال تحصیلی ۶۳ — نیز دقیقاً با همین نثرش با سوء استفاده از نیروی کار آنان در جهت اهداف جنگ طلبانه حاکمیت طرح و به اجرا گذاشته شد.

مشاور وزیر آموزش و پرورش می‌گوید: "در قسمت دختران تعداد کل دانش‌آموز مشمول این طرح (لر-گاد) در سال گذشته ۲۲۶۰۰۰ نفر بود. اما در مورد خواهران بیشتر تولیداتشان در ارتباط با عتالاق محرم و جبهه — ها بکار گرفته شده است. بعد از مثال از مهر ماه تا اسفند سال گذشته ۱۴۵۹۹۲ بلوز، کلاه، شال گردن، دستکش و جوراب توسط خواهران دانش‌آموز به جبهه‌ها فرستاده شده است." (کیهان ۳۱ — مرداد)

اما جنایتبارترین اقدام مسئولین آموزش و پرورش به تبعه مجری سیاست‌های رهبران جمهوری اسلامی در مراکز آموزش متوسطه را باید در اعزام صدها هزار دانش‌آموز به جبهه‌ها و قربانی کردن و سربریدن "اسمعیل وار" انسان در پیستاه عفریت جنگ دانست. (ادامه دارد)

ترقیخواهانه و مردمی دارند با مواضع و تاریخ رزم انقلابی سازمان آشنا کنید. آنها را به صفوف سازمان فراخوانید.

— اخبار جنبش مقامات توده‌ها و اعتراض و مبارزه کارگران و زحمتکشان همه اقشار خلق را در محیط تحصیل و زندگی، به رهنحو مناسب منعکس کنید.

— تبلیغات رژیم را علیه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) حزب توده ایران و دیگر نیروهای مبارز افشا کنید. عناصر جاسوس و مزدور را در محیط‌های تحصیلی بشناسانید و افشا کنید.

— برای پیشبرد و ظایف معین و فعالیت‌هایی که پیش رویتان قرار می‌گیرد، با دیگر نیروهای انقلابی و مبارز، چاره‌جویی و همکاری کنید. — دانش سیاسی خود را همواره ارتقا دهید، در همه جاسوس فداکاری، اخلاق، احساس مسئولیت، دانش اندوزی و تحرک و شادابی باشید. شعله‌های مبارزه و امید را در دل جوانان برافروزید.

مسرگ برامپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا! زنده باد صلح، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی! گسترده با مبارزات ضد امپریالیستی و دموکراتیک دانشجویان و دانش‌آموزان! سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثريت) شهریور ۱۳۶۳

وزیر خارجه شوروی خاطر نشان ساخت
واشنگتن آگاهانه در رامشکست کشاند. مذاکرات
در باره تسلیحات هسته‌ای میان برد و استراتژیکی
گام برداشته است. • افزودن سخن پردازیه‌های
کنونی به طرفداری از به اصطلاح مذاکرات پیک
اقدام تبلیغاتی قلبی و جعلی است. کرمیکو

(آ : آری ، ن : نه ، م : ممتنع)

[illegible]

دولت آمریکا به حمایت خود از اسرائیل ادامه می دهد. به دنبال و توی قطعنامه مربوط به محکوم کردن سیاست تروریستی تل آویو د شورای امنیت آمریکا به د ولتهای عربی "هشدار" داده است که در اجلاس مجموعه عمومی سازمان ملل متحد از اعتراض به سیاست خارجیمانهای واشینگتن خودداری کنند.

ہندوستان

مرکب بر امپریالیزم جهانی به سرکردگی امپریالیزم امریکا!